

چرا به ورزشکاران ایرانی ویزا نمی‌دهند؟

فضای ورزش ایران به‌تازگی با پدیده برترکاری مواجه شده که مربوط به عدم صدور ویزا برای ورزشکاران رشته‌های مختلف است. فارغ از تنوع رشته‌های مذکور، این اواخر، ویزای ورزشکاران ایرانی برای رقابت‌هایی که به‌طور خاص قرار است در آمریکا برگزار شود، صادر نمی‌شود یا با سخت‌گیری‌های بیشتری صادر می‌شود. جدیدترین پدیده در این مورد مربوط به تیم ملی کاراته ایران است که ویزای آنها برای حضور در رقابت‌های بیرمنگام این کشور صادر نشده است؛ موضوعی که با اعتراض کاراته‌کاهای ایرانی مواجه شده و آنها از کار آمریکا که «سیاست را با ورزش» یکی کرده‌اند، حسابی شاکی هستند. همین هفته پیش بود که عنوان شد سفارت این کشور در ارمنستان با مشاهده کارت پایان خدمت سربازی سرمربی این تیم حتی حاضر به بررسی سایر مدارک او نشده و درخواستش را لغو کرده است. حالا هم که اعضای کاراته می‌گویند ویزای آنها صادر نشده است. اینکه چنین موضعی برگرفته از اختلافات دیپلماتیک دو کشور است و اصولا چقدر این فضای به نسبت آشفته تأثیرگذار است، یکی از آن پارامترهایی است که نمی‌توان اندازه و مقیاس درستی برایش تعریف کرد. به هر روی و با وجود آنکه شهرام هروی، سرمربی تیم ملی کاراته ایران، می‌گوید نمی‌داند چرا ویزایش صادر نشده، ظاهرا سبری‌کردن دوران سربازی او و تعدادی دیگر از ورزشکاران ایران در سیاه باعث شده تا در خلال صدور ویزا تلعنل صورت بگیرد. این موضوع به‌تازگی دردسر زبانی برای ایرانی‌ها به بار آورده و برخلاف شایعاتی که خبر می‌داد آمریکا این بند را برای صدور ویزا حذف کرده، به نظر می‌رسد همچنان پایرجاست. پیش از داستان کاراته، پرسروصداترین اتفاقی که در حوزه صدور ویزا رخ داد مربوط به فدراسیون کشتی بود که آمریکا حاضر نشد ویزای علیرضا دبیر به‌عنوان رئیس و چند نفر دیگر از اعضای تیم ملی را صادر کند. البته جنس آن عدم صدور ارتباطی به جنس کاراته‌ای‌ها ندارد؛ آمریکا به دلیل اظهارات ضدآمریکایی علیرضا دبیر، ویزای او برای سفر به این کشور را صادر نکرد.

فضای ورزش ایران به‌تازگی با پدیده برترکاری مواجه شده که مربوط به عدم صدور ویزا برای ورزشکاران رشته‌های مختلف است. فارغ از تنوع رشته‌های مذکور، این اواخر، ویزای ورزشکاران ایرانی برای رقابت‌هایی که به‌طور خاص قرار است در آمریکا برگزار شود، صادر نمی‌شود یا با سخت‌گیری‌های بیشتری صادر می‌شود. جدیدترین پدیده در این مورد مربوط به تیم ملی کاراته ایران است که ویزای آنها برای حضور در رقابت‌های بیرمنگام این کشور صادر نشده است؛ موضوعی که با اعتراض کاراته‌کاهای ایرانی مواجه شده و آنها از کار آمریکا که «سیاست را با ورزش» یکی کرده‌اند، حسابی شاکی هستند. همین هفته پیش بود که عنوان شد سفارت این کشور در ارمنستان با مشاهده کارت پایان خدمت سربازی سرمربی این تیم حتی حاضر به بررسی سایر مدارک او نشده و درخواستش را لغو کرده است. حالا هم که اعضای کاراته می‌گویند ویزای آنها صادر نشده است. اینکه چنین موضعی برگرفته از اختلافات دیپلماتیک دو کشور است و اصولا چقدر این فضای به نسبت آشفته تأثیرگذار است، یکی از آن پارامترهایی است که نمی‌توان اندازه و مقیاس درستی برایش تعریف کرد. به هر روی و با وجود آنکه شهرام هروی، سرمربی تیم ملی کاراته ایران، می‌گوید نمی‌داند چرا ویزایش صادر نشده، ظاهرا سبری‌کردن دوران سربازی او و تعدادی دیگر از ورزشکاران ایران در سیاه باعث شده تا در خلال صدور ویزا تلعنل صورت بگیرد. این موضوع به‌تازگی دردسر زبانی برای ایرانی‌ها به بار آورده و برخلاف شایعاتی که خبر می‌داد آمریکا این بند را برای صدور ویزا حذف کرده، به نظر می‌رسد همچنان پایرجاست. پیش از داستان کاراته، پرسروصداترین اتفاقی که در حوزه صدور ویزا رخ داد مربوط به فدراسیون کشتی بود که آمریکا حاضر نشد ویزای علیرضا دبیر به‌عنوان رئیس و چند نفر دیگر از اعضای تیم ملی را صادر کند. البته جنس آن عدم صدور ارتباطی به جنس کاراته‌ای‌ها ندارد؛ آمریکا به دلیل اظهارات ضدآمریکایی علیرضا دبیر، ویزای او برای سفر به این کشور را صادر نکرد.

در این میان نباید از کنار ماجرای امیر سرخوش که ویزای او برای حضور در آمریکا صادر نشد هم گذشت؛ امیر سرخوش اسفند سال گذشته پس از حضور در مسابقات

تا رای محرومیت فدراسیون جودو ایران تأیید شود. مسئولان ایرانی که به این دادگاه در سوئیس رفته بودند اعتقاد داشتند دفاعیه خوبی کرده و برنده این دادگاه می‌شوند. اندکی بعد

خبر رسید که دادگاه عالی ورزش خواسته فدراسیون جهانی را رد کرده است. در ایران، از این رای به عنوان یک پیروزی بزرگ نام برده شد ولی طولی نکشید که مشخص شد این موضوع برخلاف ادعای مسئولان فدراسیون جودو و وکیل این فدراسیون است. در رای صادرشده عنوان شده بود از آنجا که فدراسیون جهانی جودو زمانی برای پایان محرومیت در نظر گرفته است، در نتیجه باید محرومیتی مدت‌دار از سوی کمیته انضباطی فدراسیون جهانی اعمال شود. با توجه به همین امر، فدراسیون جهانی جودو محرومیت سنگین چهارساله برای جودوکارهای ایرانی در نظر گرفت. بعد از اعلام این رای، خبر رسید که فدراسیون جودوی ایران دوباره نسبت به این رای صادرشده معترض است و قصد دارد با انجام هزینه‌ای دوباره، کار را مجدداً به دادگاه عالی ورزش بکشاند. اگرچه چندین نفر از کارشناسان شانس ایران را اندک و هزینه این کار را زیاد می‌دانستند، ولی باز فدراسیون جودو خبر داد در نظر دارد

چنین اقدامی را انجام دهد. حالا و درست در همین بازه زمانی، فدراسیون جودوی ایران همچنان محروم است و نمی‌تواند در رقابتی بین‌المللی شرکت کند. اتفاقا با اشاره به همین موضوع است که حضور جودوکارهای ایرانی که اجازه فعالیت در رقابتی خارجی ندارند، در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی جالب شده است. مسئله اینجاست که چطور با وجود چنین محرومیتی، جودوی ایران راهی این بازی‌ها می‌شود؟ پاسخ این پرسش برگرفته از نامه‌ای است که به‌تازگی از سوی فدراسیون جهانی جودو به ایران ارسال شده است. در واقع فدراسیون جودو از فدراسیون جهانی پرسیده که آیا می‌تواند ورزشکارانش را به رقابت‌های همبستگی کشورهای اسلامی بفرستد یا خیر؟ پاسخ از سوی فدراسیون جهانی مثبت بوده و آنها این مورد را بلامانع دانسته‌اند. نکته جالب اینکه نامه ارسال‌ی، امضای شخص ماریوس ویزر را هم دارد. پرواضح است که این موضوع «چراغ سبز»ی از سوی فدراسیون جهانی جودو است که شاید حاضر نشود در آینده‌ای نزدیک، محرومیت جودوی ایران را از آن هنوز یک سال از آن باقی مانده، کاهش دهد. آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو



هم مشخصا مشکلی با ورزشکاران ایرانی ندارد و واضح است که اهمال مدیریت باعث ازدست‌رفتن فرصت شده است. درست است که تعداد ویزاهای صادرشده برای ورزشکاران ایرانی از سوی آمریکا زیاد است و بسیاری از آنها دلایل سیاسی داشته ولی سیاست تنها دلیل موجود نیست. فراموش نکنید پیش‌تر مجری و تهیه‌کننده شبکه سه هم قصد همراهی تیم ملی را داشتند که کشور مقصد با تأیید کنفدراسیون فوتبال آسیا به آنها روایتی نداد. عنوان شده بود که اظهارات ضد AFC باعث بروز آن اتفاق شده است و موضوع چندان سیاسی نیست. به نظر می‌رسد سوءمدیریت، دیر اقدام‌کردن و البته اظهارات نابجا هم نقش زیادی در عدم صدور روایتی برای ورزشکاران ایرانی داشته است.

ذکر این نکته هم ضروری است که فقط ورزشکاران ایرانی با این داستان دست‌وپنجه نرم نکرده و پیش‌تر افراد رده‌بالای دولت هم اسیر چنین داستانی شده‌اند. اگر قرار باشد به‌طور مشخص به کشور آمریکا پرداخته شود، باید به ماجرای عدم صدور ویزا برای همراهان حسن روحانی و محمود احمدی‌نژاد نیز پرداخت. پیش‌تر دولت آمریکا برای «معاونین دفتر» حسن روحانی و «تیم رسانه‌ای» که قرار بوده رئیس جمهوری ایران را در سفر به آمریکا همراهی کنند، ویزا صادر نکرده بود. حسن روحانی قرار بود برای حضور در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک سفر کند که ویزای صادرشده برای رئیس جمهوری وقت ایران محدود عنوان شد و حسن روحانی صرفا اجازه داشت در فهرست تحریم‌های شدیدتر آمریکا دلیل این امر باشد. اگر چنین باشد، با‌هم این جریان حاصل یک اتفاق سیاسی است. باین‌حال، در مورد فدراسیون کشتی، ماجرای سیاسی چندان مطرح نیست؛ دبیر به‌عنوان رئیس فدراسیون کشتی تصمیم گرفته اظهاراتی آمریکاستیزانه داشته باشد و نهایتا آمریکا هم تصمیم گرفت برای او ویزا صادر نکند. در مورد تیم دوچرخه‌سواری و اعزام به بلژیک هم شایعاتی مطرح شده که موضوع را عجیب‌تر می‌کند؛ چون ظاهرا آنها با یک شرکت واسطه برای دریافت ویزا اقدام کرده بودند که از همین رو درخواستشان بدون پاسخ ماند. اینکه چرا به جای رفتن به سفارت کار را به شرکت وابسته سپرده‌اند، عجیب است. موضوع دیگر اینکه سنگاپور

قبل از روحانی هم که برای ۶۰ همراه احمدی‌نژاد، ویزای آمریکا صادر نشده بود. آن زمان قرار بود محمود احمدی‌نژاد همراه با هیئتی صدنفره عازم نیویورک شود که برای ۶۰ نفر دیگر از همراهان او ویزای سفر داده نشد.

چنین اقدامی را انجام دهد. حالا و درست در همین بازه زمانی، فدراسیون جودوی ایران همچنان محروم است و نمی‌تواند در رقابتی بین‌المللی شرکت کند. اتفاقا با اشاره به همین موضوع است که حضور جودوکارهای ایرانی که اجازه فعالیت در رقابتی خارجی ندارند، در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی جالب شده است. مسئله اینجاست که چطور با وجود چنین محرومیتی، جودوی ایران راهی این بازی‌ها می‌شود؟ پاسخ این پرسش برگرفته از نامه‌ای است که به‌تازگی از سوی فدراسیون جهانی جودو به ایران ارسال شده است. در واقع فدراسیون جودو از فدراسیون جهانی پرسیده که آیا می‌تواند ورزشکارانش را به رقابت‌های همبستگی کشورهای اسلامی بفرستد یا خیر؟ پاسخ از سوی فدراسیون جهانی مثبت بوده و آنها این مورد را بلامانع دانسته‌اند. نکته جالب اینکه نامه ارسال‌ی، امضای شخص ماریوس ویزر را هم دارد. پرواضح است که این موضوع «چراغ سبز»ی از سوی فدراسیون جهانی جودو است که شاید حاضر نشود در آینده‌ای نزدیک، محرومیت جودوی ایران را از آن هنوز یک سال از آن باقی مانده، کاهش دهد. آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو

چنین اقدامی را انجام دهد. حالا و درست در همین بازه زمانی، فدراسیون جودوی ایران همچنان محروم است و نمی‌تواند در رقابتی بین‌المللی شرکت کند. اتفاقا با اشاره به همین موضوع است که حضور جودوکارهای ایرانی که اجازه فعالیت در رقابتی خارجی ندارند، در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی جالب شده است. مسئله اینجاست که چطور با وجود چنین محرومیتی، جودوی ایران راهی این بازی‌ها می‌شود؟ پاسخ این پرسش برگرفته از نامه‌ای است که به‌تازگی از سوی فدراسیون جهانی جودو به ایران ارسال شده است. در واقع فدراسیون جودو از فدراسیون جهانی پرسیده که آیا می‌تواند ورزشکارانش را به رقابت‌های همبستگی کشورهای اسلامی بفرستد یا خیر؟ پاسخ از سوی فدراسیون جهانی مثبت بوده و آنها این مورد را بلامانع دانسته‌اند. نکته جالب اینکه نامه ارسال‌ی، امضای شخص ماریوس ویزر را هم دارد. پرواضح است که این موضوع «چراغ سبز»ی از سوی فدراسیون جهانی جودو است که شاید حاضر نشود در آینده‌ای نزدیک، محرومیت جودوی ایران را از آن هنوز یک سال از آن باقی مانده، کاهش دهد. آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو

چنین اقدامی را انجام دهد. حالا و درست در همین بازه زمانی، فدراسیون جودوی ایران همچنان محروم است و نمی‌تواند در رقابتی بین‌المللی شرکت کند. اتفاقا با اشاره به همین موضوع است که حضور جودوکارهای ایرانی که اجازه فعالیت در رقابتی خارجی ندارند، در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی جالب شده است. مسئله اینجاست که چطور با وجود چنین محرومیتی، جودوی ایران راهی این بازی‌ها می‌شود؟ پاسخ این پرسش برگرفته از نامه‌ای است که به‌تازگی از سوی فدراسیون جهانی جودو به ایران ارسال شده است. در واقع فدراسیون جودو از فدراسیون جهانی پرسیده که آیا می‌تواند ورزشکارانش را به رقابت‌های همبستگی کشورهای اسلامی بفرستد یا خیر؟ پاسخ از سوی فدراسیون جهانی مثبت بوده و آنها این مورد را بلامانع دانسته‌اند. نکته جالب اینکه نامه ارسال‌ی، امضای شخص ماریوس ویزر را هم دارد. پرواضح است که این موضوع «چراغ سبز»ی از سوی فدراسیون جهانی جودو است که شاید حاضر نشود در آینده‌ای نزدیک، محرومیت جودوی ایران را از آن هنوز یک سال از آن باقی مانده، کاهش دهد. آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو



جودو

ملی‌پوش جودو برای درمان انگشتر مادرش را فروخت!

هرچند فدراسیون جودو با وجود تعلیق، بودجه درخور توجهی را از مسئولان ورزش کشور دریافت کرده اما یکی از ملی‌پوشان این رشته می‌گوید مسئولان فدراسیون هیچ هزینه‌ای را برای درمان آسیب‌دیدگی او پرداخت نکرده‌اند؛ بنابراین او برای انجام عمل جراحی مجبور به فروش انگشتر مادرش شده است! محمد خوش‌بین، در گفت‌وگو با ایستا، در این زمینه گفت: هفت سال است که ملی‌پوش رشته جودو هستم که دو سال پیش در اردوی تیم ملی جوانان رباط پایم در حین تمرین با خود مربی تیم ملی دچار آسیب شد و از آن روز بی‌توجهی‌های زیادی نسبت به من شد و فدراسیون اصلا پیگیر وضعیتم نبود و خردم با مصدومیتم پیگیر شرایط خودم بودم. به فدراسیون پزشکی معرفی شدم و ام‌آر‌آی دادم اما پزشکان تشخیص ندادند که مشکل پای من چیست و این عکس‌برداری از پایم دو بار دیگر انجام شد اما باز هم متوجه مشکل نشدند. من در همین حین درحال گذراندن خدمت سربازی نیز بودم. دو سال از این موضوع گذشت و من در این سال‌ها با مربیان زیادی کار کردم تا بتوانند شرایط پایم را بهتر کنند اما نتیجه‌ای حاصل نشد. من پس از دو سال مجددا از اندیمشک به تهران رفتم و یک‌بار دیگر هم ام‌آر‌آی از پای من انجام شد.

این جودوکار اندیمشکی عنوان کرد: من یک روز به فدراسیون رفتم تا نامه‌ای برای درمان بگیرم که آن روز حدود ساعت ۱۲:۳۰ ظهر بود که خانم کعبی دبیر فدراسیون وارد محل فدراسیون شد. او وقتی وارد شد، به اتاق رئیس فدراسیون رفت و من هم از مسئول دفتر او خواستم نامه‌ام را نزد خانم کعبی ببرد تا امضا کند که به من گفت نمی‌شود و خانم کعبی باید به اتاق خود برود و بعد نامه را برای امضا نزد او ببرم. سرانجام خانم کعبی به اتاقش رفت و نامه من را امضا کرد و من آن را به فدراسیون پزشکی ورزشی بردم که به من گفتند هزینه عملت بسیار زیاد می‌شود و پای تو کج و پرانتری شده است و باید ساقی پایت را بشکنیم و پلاتین بگذاریم و براساس این هزینه عمل شما زیاد می‌شود و باید فدراسیون جودو به تو کمک کند. من مجددا

به فدراسیون رفتم و وقتی قصد داشتم دبیر فدراسیون را ملاقات کنم، رئیس فدراسیون را هم دیدم اما خیلی بی‌تفاوت از کنار من رد شد. به‌هرحال من به دبیر فدراسیون گفتم که وضعیت پای من به این صورت است و پای من با مربی خودتان در اردوی تیم ملی دچار آسیب‌دیدگی شد و از او خواستم که در بحث هزینه عمل به من کمک کنند که خانم کعبی به من گفت آقای میراسماعیلی، رئیس فدراسیون، ورزشکاران را دوست دارد و همیشه آنها را حمایت کرده است و ما نیمی از مبلغ هزینه عمل تو را می‌دهیم و مابقی‌اش را از طریق شهرستان خودت تامین کن. او سپس با آقای مهرانشار، دبیر هیئت جودوی خوزستان، تماس گرفت و همین موضوع را به او نیز گفت و سپس به من گفت آقای خوش‌بین شما قهرمانان بسیاری در شهر خودتان دارید. برو و از آنها کمک بگیر و از استان خوزستان هم بخواهید مبلغی را تقبل کند و نصف مبلغ عملت را هم ما می‌دهیم. خوش‌بین بیان کرد: من به خانم‌هان برگشتم و با آقای مهرانشار تماس گرفتم و به او گفتم دبیر فدراسیون با شما تماس گرفته است و از همه‌چیز مطلع هستیید که به من گفت نامه‌ای برای ام‌اس‌ال کن و ما به شما کمک می‌کنیم؛ اما بعد از اینکه نامه را با متنی که خودش گفته بود، برای او ارسال کردم، به من گفت که این نامه خوب نیست و متن نامه را عوض کن تا به تو کمک کنیم. مجدد نامه را برایش ارسال کردم اما به من گفت ما اصلا پولی به تو نمی‌دهیم و وظیفه‌ای در این زمینه نداریم. بعد از این ماجرا که به حدود یک ماه پیش برمی‌گردد، با آقای فضل‌الله پور رئیس هیئت جودوی خوزستان تماس گرفتم و داستان را برای او تعریف کردم اما بعد، او هم با یک لحنی به من گفت ما وظیفه‌ای نداریم به شما پول بدهیم و فدراسیون باید به شما پول بدهد؛ زیرا در اردوی تیم ملی دچار آسیب‌دیدگی شدید. خلاصه دستم به جایی بند نبود و باید عمل می‌شدم. حتی خیلی از دوستانم وقتی متوجه شرایطم شدند، به خانه ما آمدند و به من گفتند پول داری که می‌خواهی عمل کنی؟ که من خجالت می‌کشیدم به آنها بگویم پول ندارم. حتی یکی از دوستانم به من می‌گفت چرا این‌قدر ناراحتی و وقتی قضیه را برای او تعریف کردم و گفتم می‌خواهم انگشتر مادرم را برای معلم بفروشم، به من گفت این کار را نکن و شماره کارتت را به من بده تا برایت پول واریز کنم که به او گفتم شما وظیفه‌ای ندارید که به من کمک کنید و فدراسیون باید کمک کند.

این جودوکار افزود: سرانجام من انگشتر مادرم را فروختم و به تهران رفتم و سه هفته پیش عمل کردم؛ اما بالاخره نه هیئت استان و نه فدراسیون به من کمک نکردند. فدراسیون اصلا برایش اهمیتی نداشت و حتی از من نپرسیدند مشکل تو چیست و اصلا پزشک به تو چه گفته است؟ اکنون که من در بیخ شخصی‌ام در اینستاگرام ویدئویی را منتشر و مشکلم را مطرح کردم، دائما با من تماس می‌گیرند؛ رفتاری که با من تماس می‌گیرند، از طرف رئیس فدراسیون هستند و حتی آقای مهاجری، رئیس کمیته داوران فدراسیون نیز به من گفت تو اصلا حق نداشتی از جیب خودت هزینه کنی و به او گفتم آقای میراسماعیلی حتی من را در فدراسیون دید اما برایش اهمیتی نداشت. حتی شب گذشته نیز سه، چهار نفر با من تماس گرفتند و گفتند آرش میراسماعیلی می‌گوید با او تماس بگیرید و جالب است خودش حاضر نشده است با من تماس بگیرد و نمی‌دانم آقای میراسماعیلی چرا حاضر نیست از غرورش دست بردارد. حتی او مجبور شد با آقای کریمی‌راد، مربی‌ام در اندیمشک تماس بگیرد که به مربی‌ام گفتم چقدر اکنون به او برخوردی که با شما تماس گرفته است.

خوش‌بین خاطرنشان کرد: کسانی که با من تماس می‌گرفتند، عنوان می‌کردند آقای میراسماعیلی می‌خواهد بداند هزینه عملت چقدر شده است که به آنها گفتم کار از کار گذشته است؛ زیرا به نظر من اکنون می‌خواهند من آن ویدئو را از صفحه شخصی‌ام بردارم و بعد دو، سه میلیون تومان به من بدهند و کار تمام شود.

او گفت: جالب است که همه جودوکاران سکوت کرده‌اند. البته به‌صورت مخفیانه به دو، سه جودوکار حقوق می‌دهند و به آنها می‌گویند حق ندارید به بقیه جودوکاران بگویید حقوق دریافت می‌کنید. آنها حقوق می‌گیرند و سکوت کرده‌اند و بعد امثال من که ۷۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتر به‌صورت زمینی طی می‌کنیم تا به اردوی تیم ملی برسیم، حمایت نمی‌شویم. مربیان تیم ملی از بزرگ تا کوچک‌شان، همه می‌دانند که به جودوکاران ظلم می‌کنند اما متأسفانه جرئت ندارند که حرف بزنند و جالب است در خلوت‌مان می‌گویند آقای میراسماعیلی حق ما را بزرده است اما همان‌ها اکنون با او عکس می‌گیرند و از او حمایت می‌کنند. آقای میراسماعیلی همه را نابود کرده است و حتی در شهر خودمان هم چند جودوکار داشتیم که آنها را هم خیلی اذیت کرد.

این ملی‌پوش جودو خاطرنشان کرد: به جودوکاران نسبت به ورزشکاران دیگر بیشتر ظلم می‌شود؛ ما با لباس جودوی خودمان و کفش خودمان تمرین می‌کنیم، ضمن اینکه در اردوی تیم ملی با مینی‌بوس‌های قدیمی ما را جابه‌جا می‌کردند و وقتی هم به خوابگاه برمی‌گشتیم، در ظرف یک‌بارمصرف به ما غذا می‌دادند و حتی لیستی جلوی ما می‌گذاشتند که باید بعد از دریافت غذا آن را امضا می‌کردیم که مبادا دو غذا برداریم و کتک‌کش بادمجان‌هایی که شب‌ها به ما می‌دادند، هم بماند. به‌هرحال به ما ظلم می‌شد و اگر هم مصاحبه می‌کنم، برای این است که بعدها شرمند خودم نشوم که چرا این حرف‌ها را نگفتم. ظلم، بیبینی و حرف زنی، خیلی است.